

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی  
۰۱.۰۳.۰۹

## وحدت عمل رویونیست ها بر محور "شورای انقلابی"

به ادامه گذشته

نکته ای دیگری که از طرف تعداد زیادی از دوستان بدان اشاره گردیده ، زیر سؤال بردن سیاست پورتال است در قبال راه دادن افرادی چون سیستانی در پورتال. حتا یکی از دوستان این عمل را به مثابه اعلام عفو همچو اشخاصی دانسته آن را شدیداً به نقد کشیده است. در پاسخ به این پرسش باید نوشت:

آنچه را در این جا می خوانید بیشتر نظرات شخصی این قلم است که در خطوط کلی خود با نظرات پورتال هیچ گونه مغایرتی ندارد. با آنهم امید است دوستان نسبت به آن به مثابه نظر یک فرد بر خورد نمایند و کاستی های احتمالی آنرا ناشی از محدودیت های معرفتی این قلم به حساب آرند تا مواضع پورتال.

به نظر من این پرسش می باید در چند مورد بحث قرار گیرد. بعد اول برداشت نیست که یکی از دوستان بزرگوار ما از این سیاست نموده و آنرا به مثابه اعلام عفو همچو افرادی دانسته است. در پاسخ به این دوست باید متذکر شد که اعضای پورتال هم خود را می شناسند و هم حدود صلاحیت های شان را. آنها این را به نیکویی می دانند که هیچ فرد و نهادی در افغانستان و جهان حق ندارد تا جنایتکاران و خابینان را عفو نمایند. من جمله پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" که نه حق چنین کاری را دارد و نه هم خواست و اراده آن را.

شاهد مدعای ما در این رابطه موضع گیری های صریح اعضای پورتال در رابطه با عفو جنایتکاران به وسیله پارلمانی که سه جهانی ها و مزدوران روس به خاطر آن از سر و روی هم بالارفته در زیر لاشه گندیده و متعفن سیستانی جلاد و خابین خود را زینه می سازند، می باشد. از این دوست و دوستانی از سنخ ایشان انتظار می رود تا ما را به خاطر آن اشتباهاتی مورد مؤاخذه قرار داده و انتقاد نمایند که از ما سر زده باشد. نه اینکه به گناه های ناکرده متهم نموده و حکم صادر نمایند. چنین حکمی حد اقل کم لطفی آن دوستان را نمایندگی می نماید. هر چند در این مورد مشخص از طرف پورتال اعلامیه خاصی صادر نشده است زیرا به صورت عمده صدور اعلامیه به مناسبت های خاص با در نظر داشت زمان معینی صورت می گیرد مگر با آنهم در بند پنج اهداف پورتال این قضیه با چنان صراحتی مطرح گردیده که نباید اسباب سوء تفاهمی نزد دوستان باقی ماند. پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" در بند پنج اهداف خود می نویسد:

**" ۵. حمایت کامل از افشاء و به محاکمه کشاندن مجرمان جنگی و مرتکبان جنایات علیه بشریت "**

دوستان نهایت عزیز و گرانقدر من نمی خواهم در اینجا برای شخص خود و یا پورتالی که افتخار همکاری با آن را دارم تبلیغ نمایم، مگر انصاف حکم می نماید بنویسم که برخوردی چنین قاطعانه و بدون قید زمانی سه ده و یا کمتر و بیشتر از آن را نمی توان در سیاست هیچ سایتی با همین وضاحت مشاهده نمود، فراموش نباید کرد در جامعه نشراتی افغانستان سایت هائی اند که بعد از گذشتن چندین سالی که از عمر آنها می گذرد هنوز هم سیاست نشراتی و اهداف خویش را اعلام نداشته اند. از آن گذشته این دوستان وقتی چنان حکمی را در حق پورتال ما صادر می دارند باید موضع گیری های فردی و جمعی اعضای پورتال را در قبال چنین امر مهمی نادیده نمی گرفتند.

دومین نکته در این مسأله پاسخ به این پرسش است که چرا به افرادی به خبائت و جنایت پیشکی سیستانی اجازه داده شد تا در پورتال به فعالیت آغاز نماید.

این قلم و چه بسا سایر دوستان را نیز اعتقاد بر آن است که طرح انتقاد از خود هر چند یک واحد به نظر می خورد مگر نمی توان از تقسیم آن به دوبخش جلو گیری نمود. فردی که از خود انتقاد می کند و طرفی که انتقاد می شود. به نظر این

قلم در اینجا دو حق به موازات هم و در تقابل با همدیگر یک زوج دیالکتیکی را می سازند. فردی از حق فردی خود که هیچ قانونی نمی تواند مانع آن گردد استفاده نموده از خود واز عملکرد خود انتقاد می نماید، در جهت مقابل کس ویا کسان دیگری که آن انتقاد از خود را شاهد اند هم حق دارند تا آن انتقاد از خود را ناقص وناکافی بدانند، فریب و نیرنگ قلمداد نمایند ویا با وجود پذیرفتن آن پروسه، جنایات وخیانت های طرف مقابل را عظیم تر از آن بدانند که تنها حرکت انتقاد از خود آن را جبران نماید. یا به عبارت دیگر همان طوریکه بارها نوشته وضمن مصاحبه ها گفته ام "اقیانوس جنایات ها وخیانت های آنها پر آب تر از آن است که بتوان آنرا باقاشق انتقاد خالی نمود". بادر نظر داشت چنین امری چاره چیست؟ آیا از اول بایک برخورد ایدئالیستی اعلام گردد که توبه ات قبول نیست زیرا مرتد هستی؟ به او این فرصت را نداد تا حد اقل بخشی از کوهواره جنایاتش را آشکار نماید ویا اینکه ضمن احترام به حق فردی اش در آزادی انتقاد از خود، زمینه های آنرا مساعد ساخت تا فرد ویا افراد معینی بر روی صحنه آمده گذشته نکبت بار وخیانانه شان را به نقد بکشند بعد از آن از حق خود استفاده نموده در قبال آن انتقاد ها موضع گیری نماید. تا جائیکه این قلم از صحبت با متصدیان پورتال برداشت نموده ام، سیاست پورتال در قبال سیستمی خاین بر همین منوال پایه ریزی شده بود و هیچ یک از اعضای بنیانگذار پورتال در قبال آن متوهم نبودند. تمام اعضا با حرکت از همین موضع که باید به وی فرصت داد تا در عمل از خود انتقاد نموده و جنایات "حدخا" به خصوص "شورای انقلابی" را افشاء نماید، مانع آمدن وی به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نگردیدند. واین درست همان چیز است که از جانبی در تقابل با تبلیغات مزدوران روس و سه جهانی ها قرار دارد که می گویند هرکس با ما رابطه اش را قطع کند به سر نوشت سیستمی مواجه خواهد شد، واز جانب دیگر خلاف آن تصور نیست که فکر می کنند صرف مقاله نوشتن و همکاری با پورتال به معنای آن است که پورتال گذشته افراد را فراموش نماید.

به هر دو بخش منتقدین باید گفت که خوشبختانه هر دو طرف در قضاوت ذی حق نیستند. اگر طرف اول بنا بر خبث طبیعت به یک ترس موهوم دامن می زند تا کس ویا کسانی را از همکاری با پورتال هراسان سازند با تأسف طرف دیگر نیز در برداشت خویش اشتباه می نماید.

آنهایی که حیات چهار ماهه پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" را از نزدیک در نظر داشته اند به صورت حتم متوجه شده اند که چه کسانی با آن همکاری نموده وچه کسانی بعد از ارسال یکی دو نوشته میزان همکاری خویش را با پورتال کاهش داده اند. از آنجائیکه این موارد بدون سروصدا و الم شنگه هایی از نوع رجز خوانی های مزدور روس وقاتل خلق ما سیستمی بوده، هیچ کسی متوجه آن نیز نشده است. مگر اکنون که صحبت آن به میان آمد به جرأت از سیاست نشراتی پورتال به دفاع برآمده اعلام می دارم هرگامی که سیاست نشراتی واهداف آن با یک نویسنده نتوانسته تطابق نماید در کمال حفظ احترام متقابل از همدیگر جدا شده هر یک به راه خویش ادامه داده است بدون آنکه هیچ یک از طرفین به لجن پراکنی دست یازد. واما اینکه چرا در مورد سیستمی خاین این طور نشد بر می گردد به پافشاری این قلم و سایر اعضای پورتال به اینکه وعد ها را عمل نموده به افشای جنایات "شورای انقلابی" که خود در هیأت رئیسه آن قرار داشت، آغاز نماید مگر آن خاین و جنایتکار نتنها از این عمل طفره می رفت بلکه سخت در تلاش بود تا برای خیانت خود قریبه های تاریخی جست وجو نموده امروز خود را در قفای خابنی از قماش "نواب محمد زمان خان" پنهان دارد و فردا در زیر "عینک و قطی نسوار امیر دوست محمد خان".

من هم که به گفته ایرانی ها "حساب دستم بود" به موازات آن قریبه جویی ها از طرف آن جلاذ خاین، بر شدت حملات خود در نوشته و سخن برالگو های تاریخی وی تاخته نمی گذاشتم تا سیمای کثیف انقیاد طلب خویش را در عقب آویختن پرده های تحقیقی از گذشته پنهان نماید. از آن گذشته بار بار اصل به محاکمه کشانیدن تمام آنهایی را که در نهاد های تصمیم گیرنده حزبی ودولتی اشتغال داشتند مطرح نموده ودر نوشته ها و مصاحبه ها بر آن پای می فشردم. وقتی این عمل به تکرار اتفاق افتاد، با آنکه او هیچ گاهی جرأت برخورد تنها و دو به دو با این قلم ویا کس دیگری را نداشت و خیز چند متری حاضرش هم به دل پربی واپسته است که از سه ضلع دیگر مثلث خیانت یعنی اخلاف خروسچف – برژیف، نوکران تین سیاو پینگ و سایر انقیاد طلبان در کنار سه جهانی ها با عوامل پنهان و آشکار استخبارات المان، برایش داده شده است؛ در چند مورد زبان به اعتراض گشوده و می خواست مانع اجرای برخی برنامه های پورتال گردد، مگر قاطعیت توأم با درایت متصدیان پورتال مانع از اجرای دسیسه های وی گردید. بر اساس سابقه کار در نهادی چون "شورای انقلابی" او به نیکویی می دانست که اگر مطابق برنامه های پورتال حرکت نکند دیر یا زود به مانند لاشه متعفن یک سگ از پورتال به دور انداخته خواهد شد بدون آنکه بتواند حتا صدایش را نیز بلند نماید.

امید است با این توضیح پرسش آن عده از دوستان ارجمندی که بر پورتال انتقاد وارد می نمودند که چرا چنین شخصیت پلید و میهن فروشی را فرصت همکاری داد، پاسخ خود را یافته واین دوستان نیز متوجه شده باشند که هدف از آن کار چه بوده و قضایا چگونه تکامل نمود.

**پرسش** دیگر آن است که چرا پورتال هم در تقابل با "جرمن- جرمن" یک دریچه نظرخواهی باز نمی نماید تا هواداران پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" حرکت به مثل نموده خیانت کاران سه جهانی و جنایت کاران خروسچفی را با عوامل ب. ان. د. (استخبارات المان) و شخص سیستمی وطن فروش سر جای شان بنشانند. هر چند این قلم در این مورد تا حال با متصدیان پورتال کدام صحبتی نداشته ام تا بتوانم نظر آنها را در قسمت قبول ویا نفی چنین پیشنهادی ارائه دارم، با آنها تا جایی که این قلم از برنامه های آینده پورتال اطلاع دارم قرار بود تا به همین زودی امکان آنرا به وجود آورند

تا خوانندگان بتوانند در زیر تمام مقالات تبصره های خویش را بنویسند. حال نمی دانم که متصدیان پورتال به همان برنامه عمل خواهند نمود و یا مقدماً به تقاضای هواداران پورتال لیبیک گفته، سلاح لازم را به خاطر سرجا نشانیدن آن مربع خیانت در اختیار ایشان قرار خواهد داد.

به نظر من هر دو طرز کار فقط زمانی می تواند مؤثریت داشته باشد که اولاً به ارزش های دموکراتیک صادقانه پای بندی نشان داده شود نه این که مانند معرکه گیران "جرمن - جرمن" که سیستانی را عنتر (۱) انتخاب نموده فقط آن بخش از نظرات را اجازه نشر می دهند که به شکلی از اشکال به مربع خیانت بر نخورد و یا حداقل به دفاع آشکار از این قلم بر نخاسته باشد و در ثانی چنین جبهه های فرعی باز کردن، ما را از تعقیب هدف اصلی ما که مبارزه علیه اشغالگران است، باز ندارد. چیزی که "جرمن - جرمن" از او ان پیدایش تا امروز به مثابه خط حرکتی خود تعقیب نموده همیشه می کوشد با داغ ساختن تنور های مصنوعی، نویسندگان و قلم زنان را به بیراهه حاشیه روی بکشاند. هر چند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را چنین خطری کمتر تهدید می نماید زیرا خوشبختانه شناخت متصدیان، از آنها به اندازه است که نتوانند باعث فریب پورتال گردند، و این را هم خوب می دانند که یکی از اهداف "جرمن-جرمن" از چنین معرکه گیری ها به عنتری سیستانی، تلاش به خاطر آن است تا پورتال را از افشای جنایات متجاوزین ناتو که به شکلی از اشکال مربع خیانت با نهاد های استخباراتی آنها در رابطه هستند، بازدارند، باز هم باید متوجه و مواظب بود تا آنها نتوانند در مقیاس وسیعتری به چنین کاری توفیق یابند.

**و اما نکته** چند در باب برخی از خزعبلاتی که از طرف مربع خیانت و یا عناصر نا آگاه در نظر خواهی گنجانیده شده است. لازم به تذکر نیست که برخورد نکردن در قبال مطالب دیگر به معنای قبول آنها نبوده بلکه به صورت عمده به خاطر نداشتن ارزش مکتب، فرهنگ پائین مباحثه و هراس داشتن نویسنده ها از بیان نامی که پدر شان بر ایشان گذاشته و اکنون این فرزندان ناخلف چه بسا واقعاً "خلف"، خویش را در پناه نامهای مستعار پنهان نموده اند مطرح بحث قرار نمی گیرد. ورنه در مورد بیشترین قسمت آنها قضیه کج بودن گردن شتر صدق می نماید.

چند تن از نویسندگان محترمی که در کنار سایر سایت ها برای انقیاد طلبان "جرمن - جرمن" نیز مطلب می فرستند خلاف تلاش مذبحخانه عنتر این معرکه یعنی سیستانی که می کوشد قضیه را دفاع از "ملالی جویا" وکیل در پارلمان اداره مستعمراتی کابل و انمود سازد و عربده می کشد که نمی تواند تجاوز بر آن خانم را تحمل نماید و فکر می کند مردم فراموش نموده اند که وی یک عضو بلند رتبه در "شورای انقلابی" رژیم میهن فروشان بوده به خاطر گرفتن یک رتبه علمی، یک موتر والگا، چند مسافرت به شوروی، یک خانه در مکروریان و چند بورس تحصیلی برای فرزندان از ناموس ملت که برتر و ارزش مند تر از ناموس فردی می باشد، گذشته است؛ تلاش دارند تا معضله را اختلاف شخصی بین این قلم و آن عنتر قلم داد نموده برنامه ها و پیشنهاداتی به منظور به اصطلاح مصالحه و ختم نزاع تقدیم می دارند. قبل از آن که محتوای این پیشنهاد ها را به بحث بگیریم در گام نخست برای آن نویسنده ها تبریک و برای عنتر معرکه تسلیت عرض می دارم.

تبریک به خاطر آن که آنها قادر شدند به کلاه برداری آن تجسم خیانت پی برده و می دانند که در این جا پای فرد سومی در بین نیست - که اگر هم باشد مرا از آن باکی نیست - و نباید به عنتر معرکه اجازه داد که به یمن رنگ سرخ نشیمن گاه (۲) سابقه اش تمام پوستین "شورای انقلابی" را به آتش کشد. تسلیت برای عنتر معرکه سیستانی خاین به کشور و قاتل مردم به خاطر آن که وقتی در میان همکاران نزدیک "جرمن - جرمن" کسانی پیدا می شوند که بر صداقت وی شک نموده می خواهند قضیه را آنطوری که هست ببینند، قضاوت مردم خارج از این لانه "جاسوسی" چه خواهد بود. به خصوص وقتی قربانیان یکی پشت دیگری آمادگی به داد خواهی می گیرند و از پورتال شان استمداد می جویند، این تسلیت می تواند جدی تر مطرح گردد.

این عنتر باید بدانند نا لوطی هائی که امروز از ممر رقص او عقده گشائی میکنند در آن هنگام هم چیزی بیشتر از همان "عنتری که لوطی اش مرده بوده" به وی کمک نخواهند کرد. این عنتر زمانی که منطق اش به اتمام رسد، به ریسمان مندرس قوم و قبیله پناه برده خود را پشتون معرفی می دارد، لذا حتماً پشتوی این ضرب المثل را خوب می داند: "آب تا گلو بچه زیر پای". خوانندگان خواهند دید که بر این عنتر از طرف "جرمن - جرمن" همین سیاست اعمال خواهد شد و یا خیر.

بر گردیم به اصل پیشنهاد.

بدون آن که به نیت این افراد شک نموده و آنها را نیز به مثابه بخشی از مربع خیانت به شمار آورده و پیشنهاد شان را نیز توطئه گرانه معرفی دارم باید خدمت این حضرات به عرض برسانم که ایشان با تأسف یک بخش از یک حقیقت را دیده اند، همان بخشی که در این منازعه قلمی کشیدن پای فرد سوم تلاش نیست مذبحخانه از طرف عنتر "جرمن-جرمن" و اما بخش دیگر حقیقت آن است که اساساً این اختلاف، اختلاف شخصی بین این قلم و عنتر نیست. زیرا به علاوه تفاوت در شخصیت ها که این قلم تا امروز سر بر آستان هیچ زورمندی خم ننموده و زندگی نکبت بار عنتر نشان داده که وی "خرهر پالان و سگ هرکاروان" است - این نکته را به وقت آن با بیان زندگانی نامه نکبت بارش به اثبات خواهم رساند -، از لحاظ مسلکی هم اگر هیچ کسی نداند حد اقل خود آن شرف فروخته و همکاران پورتال و یکی دو تن خارج از پورتال به نیکویی می دانند که به چه اندازه وقت من را ویراستاری شکل و محتوای چرندیات وی می گرفت، که در نتیجه مرا عاری بالاتر از آن نخواهد بود که خود را با یک خاین جلا در یک ترازو قرار دهم.

در اینجا اختلاف بین آرا و بخواهی در یک طرف و انقیاد طلبی در طرف دیگر است، یک طرف مرگ بر استعمار انگلیس در قرن نوزدهم و بیست می گوید و طرف دیگر الگوی انقیاد طلبانه و خایانه از "نواب محمد زمان خان" عرضه می دارد، یک طرف تا هنوز پارچه های فلز مذاب روسی را شب و روز در بدن خود حمل می نماید و طرف دیگر از نام اهدائی دشمن خلق در ربع چهارم قرن گذشته یعنی سوسیال امپریالیسم روس تاج افتخار ساخته به همان رسم بی ننگ ها در زیر سایه آن خوش می چرد، یک طرف از نخستین روز های اشغال افغانستان بی هراس از هر پیشامدی با نوشته ها، صحبت های پلتاکی و شرکت در تظاهرات مبارزه ضد متجاوزان ناتو را به مثابه "آزمونی از نو و رسالت دیگر" برای مردم درد مند ما دانسته با صدای بلند فریاد می کشد :

### برما گمان بندگی زور برده اند ای مرگ همتی که خواهیم این قیود

مگر طرف دیگر تجاوز قدرت های اشغالگر و کشتار خلق ما را به وسیله آنها شناس طلایی برای ساختمان کشور معرفی می دارد، یک طرف با نوشتن "تطبیق معاهده ننگین دیورند زیر نام تعقیب القاعده و طالب" برای اولین بار پرده از سیاست ضد انسانی پنجابی ها بر می دارد و طرف دیگر با نوشتن مقاله "ما اتک می خواهیم آنها متک" خایانه جین و وابستگی خویش را اعلام داشته مردم پشتون و بلوچ را دو دسته به پاکستان پیش کش می نماید، یک طرف شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را به معنای تائید تجاوز و در نتیجه خیانت به کشور و خون ملیونها شهید راه آزادی که طی این دو قرن شجاعانه در محراب آزادی و آزادی جان باخته اند می داند در حالی که طرف دیگر در پناه تائید نقش فردی اشخاص معینی یکجا با انقیاد طلبان "جرمن - آنلاین" سر جوال را گرفته می خواهند به امید رسیدن به کدام چوکی در کنار داکتر "جلالی" نقش قدامه لشکر اجانب و همان عضو "شورای انقلابی" گذشته را به عهده گیرد. وده ها مورد دیگر.

حال که قضیه با این گستردگی مطرح شد امید است آن عده از نویسندگان محترم که با نیت نیک مگر از روی عدم غور لازم به مواضع دو طرف چنین پیشنهاد هائی را ارائه نموده و می نمایند، متوجه گردند که با تأسف مواضع فکری آنها درست نبوده از من نوعی می خواهند تا به کشور و منافع علیای آن به خاطر احتراز از شنیدن چند دو و دشنام، پشت نموده با یک خاین میهن فروش که از طریق عضویت در هیأت رئیسه "شورای انقلابی" خون هزاران انسان میهن پرست افغان را به گردن دارد باب مصالحه را باز نمایم. "از آستان همت ما ذلت است دور"

به شما آقایان با هر نیتی که به چنین پیشنهادی دست یازیده اید باید اطمینان بدهم که این منازعه تا آن گاهی ادامه خواهد یافت که اراده یک طرف بر طرف دیگر پیروز گردد من از همین حالا روزی را می بینم که این عنتر بی صاحب چگونه بار دیگر به مانند یک سنگ کثیف بنای لیسیدن پایم را خواهد گذاشت. من در صحبت ها از مبارزات ۲۵۰ ساله مردم ما یاددهانی کرده ام مطمئن باشید خودم نیز کمرم را برای یک روز نیسته ام. تا مربع خیانت را به زیر نکشیده و در پیشگاه مردم و جنبش انقلابی کشور خود به چهار میخ تاریخ نکشم آنها را آسوده نخواهم گذاشت.

و اما سخنی هم با عنتر این معرکه سیستانی،

این در یوزه گر بی رقیب که جرأت تنها ایستادن در مقابل هیچ فردی را ندارد تا چه رسد به این قلم که خود بار ها عاجزانه و التماس آمیز خواسته است که از "قف پای" وی صرف نظر نمایم، این روز ها در پناه گرد و خاکی که از جانب مجموع مربع خیانت به راه افتاده است، خود را گم کرده و به مانند روباهی که در پناه سایه شتر راه میرفت و افاده می فروخت که چه تنه عظیمی دارد، هیاهوی عده ای مزدور روس، چین و المان را نعره خود دانسته دم از آن می زند که باید این قلم گویا از کس و یا کسانی معذرت بخواهم تا پاچه گیران مربع خیانت بیش از این زبان به دشنام نیالایند. در جواب این خاین به وطن و قائل فرزندان صدیق کشور باید نوشت:

این قلم در مکتبی پرورش یافته که انتقاد از خود را در قبال یک اشتباه نتنها کمبودی برای خودش نمی داند بلکه در نوع خود هیچ شجاعتی را بالاتر از آن نیز نمی داند. به عبارت دیگر هرگاه مرتکب اشتباهی شده باشد انتقاد از خود کسر شأن وی نبوده بلکه علو همت وی را آشکار می سازد و در صورتی که اشتباهی مرتکب نشده باشد ایستادگی روی موضع و دفاع قاطعانه از آنچه بیان داشته است متبلور شخصیت گوینده می باشد.

برگردیم به موضع خاصی که مربع خیانت در قفای آن سنگ گرفته جیونانه از تاریکی زوزه می کشند. من در تبصره زیر نیشته عنتر این معرکه، نوشته ام که نفس شرکت در انتخابات یک کشور اشغال شده و اداره مستعمراتی آن به معنی تائید تجاوز و در نتیجه خیانت به آن کشور می باشد، امروز هم همین اعتقاد را دارم و در طول عمر با همین اعتقاد به مبارزه ادامه خواهم داد. اگر اعتقادی به تناسخ ارواح می داشتیم با صراحت ابراز می داشتیم که هرگاه ده ها صد ها هزاران بار هم به دنیا می آمدیم از این حکم خود برنگشته و هیچ گاهی به آرمان خود پشت نمی کردم. این نکته را اگر هیچ کسی نداند شخص سیستانی جلال به نیکویی می داند. اگر هم نمی داند باید بداند، من به نسلی تعلق دارم که ماه ها کوشش به عمل آوردید تا یک تن از آنها را به بهای زنده ماندن شان به پشت کمره تلویزیون کشانیده و ادار به معذرت خواهی نمایند، نسلی که ایستاده جان دادند اما خمیده نه زیستند، نسلی که گلوله سربی و طناب دار را پذیرفتند اما معذرت خواهی از دشمنان میهن را قبول ننمودند. سیستانی می تواند بار دیگر از موضع یک عضو هیأت رئیسه "شورای انقلابی" دستور به اعدام این قلم صادر نماید، مگر این آرمان را به گور خواهد برد که حرفی خلاف وجدان ملی ام، از قلم و یا زبان بیرون آید. همانطور که نوشته ام بار دیگر بر آن تاکید می روم و با صدای بلند نفس شرکت در یک اداره مستعمراتی را به معنای تائید تجاوز و خیانت به خلق و کشور خود می دانم.

این عنتر معرکه باید بداند که این گرد و خاک ها فرو خواهند نشست، سرانجام این لاشه کثیف خواهند ماند و حلقه تنگ نیروهای ملی و آزادیخواه و در پیشاپیش آنها این قلم او باید بداند او را آنقدر دنبال خواهیم نمود تا مبارزه علیه جنایت کاران جنگی و خائنان ملی و در رأس همه آنها "شورای انقلابی" بخشی از وجدان جامعه را ساخته در هیچ مکانی برای چنین افرادی محل تبارز باقی نماند. تا جائیکه برخی از دوستان که به سایت های دیگر هم مراجعه می کنند، نقل می نمایند گویا روند طرد این عنصر خاین به میهن و قاتل فرزندان آن تازه آغاز یافته و در یکی دو سایت عکسها و مقالات این "خر هر پالان و سگ هر کاراوان" را از صفحات خود برداشته اند. این هنوز آغاز حرکت است، شریفه ها، متین ها، عبدالکریم ها، گل محمد ها، سهیل ها و صاحب زاده ها تازه پا به میدان گذاشته اند، با نفرتی که از "شورای انقلابی" وجود دارد می توند مطمئن باشد این حرکت در تداوم خود به همان بهمنی مبدل خواهد شد که مزدوران روس را با جمله خائنان متحد آنها از سر راه خویش خواهند رو بید.

قبل از آن که به این قسمت مقاله پایان دهم لازم می افتد دو نکته را نیز تذکر دهم:

در گام نخست تشکرات عمیق خویش را خدمت آن عده از دوستان ناشناسی که در این ماجرا جرئت کردند خلاف مسیر فاضل آب به راه انداخته شده به وسیله مربع خیانت ، قلم زده و به دفاع از حقانیت آن حکم بر خیزند؛ ابراز می دارم. این حرکت آنها بار دیگر به مثابه نمودی از بلوغ فکری مردم ما نمی تواند ضربه سنگینی بر وجدان های خفته مربع خیانت نباشد.

نکته دوم ابراز تشکر از آن عده افرادیست که در زیر لوای "شورای انقلابی" به رقص و پایکوبی پرداخته هر چه لایق شأن خانوادگی آنها بود به من نسبت داده و اتهام بستند. و اما ابراز تشکر بدان علت که موجودیت ننگین خویش را ادامه فزیکه این قلم معرفی نمودند. مطالعه اتهامات آنها نشان داد که مربع خیانت از بستن اتهام به دامن مادر خویش نیز شرم ندارند، مگر برای این قلم چنان اتهامی بس کشنده بود که مسؤلیت پذیرش پدری این همه ناخلف را بتوان به دوش گرفت.

این رشته سر دراز دارد

(۱) عنتر = نوعی میمون از راسته پرمات ها با نشیمنگاه سرخ و موی بور که مطربان دوره گرد آن را برای طرب به آهنگ ساز و ضرب برقصانند. زنده یاد صادق هدایت در کتابی زیر عنوان "عنتری که لوطی اش مرده بود" داستان حزن انگیز یک میمون را بعد از مرگ صاحب وی با قلم توانایش می نگارد. عاقبت حزن انگیزی که در انتظار سیستمی ها بعد از خوابیدن گرد و خاک مربع خیانت می باشد.

(۲) در این جا "نشیمنگاه سرخ" کنایه از سابقه سیستمی در "شورای انقلابی" می باشد.